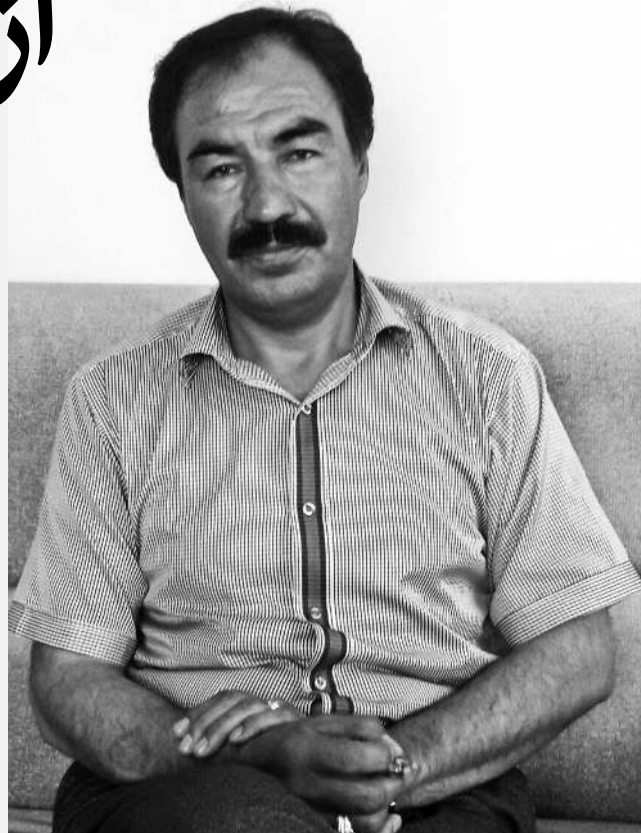


# عاشقم سنگ جفا

## از سر دیوار نزو



ریاست موسیقی وزارت اطلاعات و فرهنگ سه بار دعوت شدم که به عضویت ریاست موسیقی شامل شوم، اما از طرف یکی از هنرمندان محلی هزاره‌گی که توقع و امید داشتم کارشکنی شد و توانستم شامل شوم.

بسیاری از شعرهایی را که با دمبوره اجرا کرده‌ام، خودم سروده‌ام. معمولاً خودم می‌سرایم. از بعضی شاعران دیگر هم گرفته‌ام؛ مثلاً ناصر نادر، زمان ستیز. سروده‌هایی که من دارم بیشتر شبیه کارهای محلی است.

به غیر از تو کسی دشان من نی‌یه / کسی د فکر و د گمان من نی‌یه  
از آن روزی که دل ره با تو دادم / کسی د عهد و د پیمان من نی‌یه  
این روزها مصروف بعضی از تمرین‌ها هستم؛ مثلاً مصروف آهنگ‌هایی که در ایام عید و مناسبات دیگر به کار بروم، همین‌طور در تلویزیون‌ها و رادیوها.

اما در رابطه به مسأله هنر موسیقی، یکی از رؤیاهایم این است که آهنگ‌های فولکلوریک و آهنگ‌هایی

که بیش از حد و اندازه محلی و غلیظ، هزارگی است، اجرا کنم؛ آهنگ‌هایی که هم مورد علاقه‌مندی خودم است و مورد استقبال مردم عزیز ما. در دهه هفتاد در اجرای موسیقی محلی هزاره‌گی مشکل نداشتم. تنها مشکلی که همیشه باعث کندی پیشرفت کارم شده است، مشکلات اقتصادی بوده و هست. در آن سال‌ها در فضای مهاجرت بودم. بالاخره بعد از سال‌ها آوارگی به وطن برگشتم. در این‌جا وضعم بدتر از دوره آوارگی شد. من الان در کابل خانه ندارم. در خانه کرایه زندگی می‌کنم. اما در عین حال، مصروف تمرین‌های موسیقی و چیزی که مربوط به توانایی خودم می‌شود، هستم.

اصل کار این است که من باید آلبوم ضبط کنم؛ اما برمی‌گردد به مادیات و مشکلات اقتصادی. فرض کنیم اگر بروم چند آهنگ ضبط کنم، از این طرف گیر کرایه خانه و دفتر موسیقی می‌مانم. شش فرزندم به مکتب خصوصی درس می‌خوانند که آن‌ها پول ماهانه لازم دارند. همین‌طور است سایر مصارف زندگی. به این دلیل است که به رؤیاهایم نمی‌رسم.

به هر صورت تا کنون آهنگ صوتی و تصویری استودیویی دارم که شعری از ناصر نادر است / ما بلیبور تو شوم، حرف قیرینگ دار نزو / مَرَبِل دار نزو / عاشقم سنگ جفا از سر دیوار نزو / مَرَبِل دار نزو / با این حال آهنگ‌هایی دارم که برای اجرا آماده‌اند، اما اگر در استودیو اجرا شود، کیفیت بهتر خواهد داشت.

### سید انور آزاد

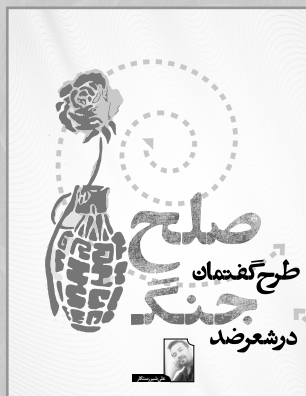
دمبوره را از روی علاقه‌مندی خودم شروع کردم. شروع کارم به سال ۱۳۶۸ برمی‌گردد. متولد ۱۳۴۸ هستم. در بیست سالگی و با علاقه‌مندی بی‌نهایت به دمبوره‌نوازی روی آوردم. آهنگ‌های مورد علاقه من نغمه‌های مرحوم شادروان سرور سرخوش بود. اولین اجرایی که کردم از شادروان سرور سرخوش بود، همان آهنگ مخته:

شب هجرت حسابی کن ولی سنجیده سنجیده / بتا وقتی قرار آمد بیا  
خندیده خندیده / ورق زن صفحه‌های قلب عاشق را تما شاکن / ولی شرطاً  
که تو هم نگذری نا دیده نا دیده

بعد از آن‌که به هنر دمبوره مسلط شدم، جدا از سبک‌های شیرین و زیبای شادروان سرور سرخوش، بسیاری از سبک‌های دیگری را خودم تنظیم کرده‌ام و نوارهای بیش از اندازه ضبط شده که شمارش آن را ندارم. من در جلسه شبانه‌روزی حتی دوازده «فیته» هم ضبط کرده‌ام. نوروز ۱۳۷۶ تعداد نه «فیته» ضبط شده است. همین‌طور در نشست‌هایی پیش می‌آید که چهار و پنج فیته کار می‌شود.

سال ۱۳۸۳ به وطن برگشتم. اما تنها جفایی که در حق من شد، در

# فرهنگ



- بررسی پدیده نوروژ در فرهنگ افغانستانی و ترکی / فاروق انصاری / ۸
- گاوا، سرزمین گاویها / محمدیونس طغیان ساکایی / ۱۶
- چیستی اسطوره، حماسه و شایعه و گذری بر افسانه‌های هزاره‌گی / شوکت‌علی محمدی شاری / ۲۵
- گذری بر کوه و کتل بیدل / خوانش انتقادی «نقد بیدل» اثر علامه صلاح‌الدین سلجوقی / محمدجان ستوده / ۴۰
- طرح گفتمان صلح در شعر ضد جنگ / علی شیر رستگار / ۵۰